ژورنال

شماره ۶۵۶

۱۸ فوریه ۲۰۲۴ – ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

یک روز مهم از اعتراضات پرستاران

شهلا دانشفر

کیک موردعلاقه من: سانسور اسلامی در بن‌بست

میلاد رسایی‌منش

هیچ انسانی غیرمجاز نیست!

سیامک بهاری

رژیم اسلامی، عامل اصلی سقط‌جنین در ایران

عطیه نیک‌نفس

الکسی ناوالنی، محمد قبادلو و ماله‌کشان جنایت

یاشار سهندی

در ایران همه مجرم‌اند!

اصغر کریمی

یک روز مهم از اعتراضات پرستاران

شهلا دانشفر

روز ۲۸ بهمن روزی مهم از اعتراضات پرستاران بود. طبق اخبار منتشر شده از سوی شورای هماهنگی پرستاران در این روز پرستاران در اعتراض به وضع بد معیشتی و کاری خود و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در شهرهای اهواز، شیراز، بوشهر، یزد، البرز، مشهد و قم تجمع کردند. در این روز پرستاران با فریاد "پرستار داد بزن حقتو فریاد بزن" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

پرستاران به سطح نازل حقوقها و تعرفه گذاری‌های سلیقه‌ای و تبعیض آمیز اعتراض دارند و با تأکید بر افزایش حقوق به بالای خط فقر سی میلیون تومانی، رقمی که بارها خود حکومتیان به آن اشاره

داشته‌اند، به دستمزدهای تحقیرآمیز زیر خط فقر معترض‌اند. فشار سنگین کاری، اضافه‌کاری‌های اجباری، استاندارد پایین شرایط کاری و بهداشتی مراکز درمانی، و اخراج‌ها و تهدیدات امنیتی از دیگر موضوعات اعتراضی پرستاران است.

لیست خواست‌های فوری پرستاران به‌صورت کارزاری مطالباتی از سوی شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران منتشر شده است. خواست‌های پرستاران مستقیماً به همه مردم مربوط است. وضع وخیم معیشتی و کاری آنها موجب پایین‌تر آمدن بیشتر سطح استاندارد درمان در جامعه می‌شود. در کوران بیماری مهلک کرونا دیدیم که چگونه پرستاران برای نجات انسان‌ها هم با کرونا و هم با حکومت کرونا جنگیدند.

از خواست‌های پرستاران وسیعاً پشتیبانی کنیم. بعلاوه اعتراض علیه فقر، بی‌تامینی، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت حلقه اتصال مبارزات پرستاران و بخش‌های مختلف کارگری و کل جامعه است. بازتابش را در شعار "فقر، فساد، گرونی، میریم، تا سرنگونی" در انقلاب زن زندگی آزادی دیدیم. امروز نیز شعار "اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد" شعار اعتراضی بخش‌های مختلف بازنشستگان و مردم معترض است. این اتحاد دارد میدانی شکل می‌گیرد. یک نماد زیبایش اعلام همبستگی معلمی بازنشسته در شیراز با اعتراضات پرستاران در ۲۸ بهمن بود و در یزد هم شماری از معلمان بازنشسته با این اعتراضات همراه شدند.

معلمان بازنشسته و بخش‌های مختلف بازنشستگان با شعارهایی چون "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"،

”لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد اتحاد“ پرچم اتحاد طبقاتی کارگری را برافراشته و کل جامعه را به مبارزه متحد فرامی‌خوانند و خود نیز با برگزاری تجمعات مشترک پیشتاز این اتحاد و همبستگی مبارزاتی مردمی بوده‌اند. حضور معلمان بازنشسته در تجمعات پرستاران در یزد و شیراز در روز گذشته قدمی به جلو در این راستا بود. تا کید من بر تکثیر چنین اشکالی از اتحاد مبارزاتی به‌عنوان یک گام عملی برای رفتن به‌سوی اعتصابات سراسری است.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

کیک موردعلاقه من:
سانسور اسلامی در بن‌بست

میلاد رسایی‌منش

فیلم "کیک موردعلاقه من" ساخته بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم، در شرایطی جمعه ۲۷ بهمن در بخش اصلی رقابتی جشنواره برلین به نمایش درمی‌آید که جمهوری اسلامی مانع سفر این دو سینماگر ایرانی به آلمان شده است. این فیلم که در داخل کشور و در شرایط اختناق اسلامی ساخته شده است جز معدود آثاری است که به حوزه شخصی زنان وارد شده و بازیگران زنی را بدون حجاب اسلامی به نمایش می‌گذارد. این فیلم که پس از قتل حکومتی مهسا ژینا امینی و آغاز انقلاب زن

زندگی آزادی ساخته شده است، از نظر بسیاری هنرمندان و جامعه‌شناسان نتیجه مستقیم انقلاب زنانه جاری بر فضای هنری و مشخصاً سینمای ایران است. سازندگان این فیلم در اعتراض به ممنوع‌الخروج شدن خود در بیانیه‌ای گفته‌اند: "امروز فیلمی که سه سال از عمر خود را صرف ساختن آن کردیم، متأسفانه بدون حضور ما در این جا به نمایش درمی‌آید، ما احساس می‌کنیم والدینی هستیم که حتی از نگاه‌کردن به فرزند تازه‌متولدشده خود منع می‌شوند. ما غمگین و خسته هستیم، اما تنها نیستیم. این جادوی سینما است، سینما ما را به یکدیگر نزدیک می‌کند."

با آغاز انقلاب زن زندگی آزادی جغرافیای سیاسی ایران به‌طورجدی شخم‌خورده و پارادایم جدیدی بر

سپهر سیاسی و اجتماعی ایرانیان حاکم شده است. دفاع از حقوق زنان و مقابله با سکسیسم اسلامی حاکم که با حجاب سوزی امثال نیکا شاکرمی کف خیابان آغاز شد، باگذشت بیش از یک سال، تأثیرات خود را بر عرصه‌های مختلف از جمله هنر، بسیار پررنگ و غیرقابل‌انکار گذاشته است. از آثاری که توسط مهدی یراحی و توماج صالحی دررابطه‌با انقلاب، و در حوزه موسیقی ساخته شد، تا فیلم مذکور که امروز در برلین برنده جایزه شده است. حکومت اسلامی اما در بعد پروپاگاند و استفاده از هنر، بخصوص سینما، قافیه را بدجوری باخته است. تمام آنچه حکومت در سال‌های گذشته با صرف بودجه‌های میلیاردی برای تبلیغ تفکر قرون‌وسطایی خود رشته کرده بود، طی چند ماه، توسط شورش نسل ضِد، پنبه شد! از همین

روست که حکومت اسلامی جز دستگیری، فشار و ممنوع‌الخروج کردن هنرمندان راه دیگری برای مقابله با فشاری که متحمل آن است در چنته ندارد. این سیاست هم اما مانند سایر اقدامات رژیم نه‌تنها محکوم به شکست که دست‌مایه خلق اثر و انگیزه مضاعف برای هنرمندان برای خلق آثار اعتراضی و انقلابی پیشرو و ساختارشکنانه‌تری در آینده می‌شود.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

هیچ انسانی غیرمجاز نیست!

سیامک بهاری

"اتباع غیرمجاز حق اجاره کردن خانه و ملک ندارند، از تنظیم قرارداد اجاره‌خانه و هرگونه ملک برای اتباع غیرمجاز جلوگیری می‌شود."

حرمان بی‌پایان زندگی پر محنت میلیون‌ها شهروند افغانستانی پادر گریز که از بد حادثه به دام جمهوری اسلامی افتاده‌اند، خشونت سازمان‌یافته و فاشیسم دولتی عریانی که بیش از چهار دهه است؛ مانند گردابی مهیب زندگی مهاجرین را می‌بلعد و مچاله می‌کند، حکایت مکرر زندگی شهروندان افغانستانی در ایران است. این نژادپرستی عریان، تماماً حاصل حکومت اسلامی است. استثمار وحشیانه کارگران

مهاجر و تحمیل یک زندگی غیرانسانی، ناایمن و مملو از وحشت با همین سرکوب فاشیستی ممکن گشته است.

"آهای بدافغانی بیا اینجا ببینم... "این کابوس هر روزه میلیون‌ها کارگر مهاجر و خانواده آنها در هراس دائم از دستگیری و رد مرز شدن توسط مأموران حکومت اسلامی است. مجاز و غیرمجاز بهانه‌ای برای رشوه‌گیری، به دام انداختن و آمایش‌های ناتمام و برای برگه‌ای بی‌اعتبار بنام مجوز اقامت است.

برای هر چه سخت‌تر کردن شرایط به مهاجرین، به همه بنگاه‌های املاک دستور داده شده است که حق داشتن سرپناه و سقفی بر سر خانواده فقط منوط به اجازه اقامت و داشتن آخرین برگه آمایش است. قوانین و دستورات ضد پناهندگی اداره اتباع

و وزارت کشور اقامت در ۳۷ شهر و ۱۷ استان را برای شهروندان افغانستانی ممنوع کرده است. حق معامله، حتی در حد داشتن یک سیم‌کارت تلفن، ناممکن است. حق سفر بدون مجوز ممنوع است.

وزیر بهداشت حکومت با وقاحتی بی‌مانند می گوید تهیه شیر خشک نوزاد برای اتباع، فقط با بر گه اقامتی معتبر ممکن است!

بی‌هویت و بی‌شناسنامه کردن بیش از یک میلیون کودک به جرم پیشینه افغانستانی و براین‌اساس که "تابعیت ایرانی بر اساس خون" است! رفتار شنیع و فاشیستی‌ونژادپرستانه‌حکومت‌اسلامی‌باشهروندان افغانستانی در ایران است. طبق اسناد منتشر شده از سوی وزارت کشور، نزدیک به نیم‌میلیون مهاجر طی سال جاری اخراج شده‌اند. بسیاری از این عودت

داده شدگان پاسپورت و برگه اقامت معتبر هم داشته‌اند و ناچارند مجدداً از هر طریق ممکن به ایران برگردند. جمهوری اسلامی دست در دست طالبان به جان شهروندان افغانستانی افتاده است.

هیچ انسانی نباید غیرمجاز شناخته شود. حق شهروندی، امنیت و داشتن سرپناه، از ابتدایی‌ترین حقوق پایه‌ای هر انسانی باید باشد. مردم شریف ایران مانند همیشه باید این سیاست‌های نژادپرستانه حکومتی را خنثی بکنند.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

رژیم اسلامی، عامل اصلی سقط‌جنین در ایران

عطیه نیک‌نفس

"محمد موحدی آزاد موحدی دادستان کل جمهوری اسلامی در بخشنامه‌ای خطاب به دادستان‌های مراکز استان‌ها از آن‌ها خواسته با هدف "رسیدگی دقیق" و "تمرکز" بررسی پرونده‌های سقط‌جنین درباره تعیین قاضی مجرب و شعب اختصاصی در دادسرای مرکز استان و شهرستان‌هایی که بیشترین فراوانی وقوع جرم گزارش شده، اقدام کنند."

در جامعه‌ای که رژیم اسلامی حاکم در ایران بر پایه قوانین سراسر ضدانسانی و متوحش اسلامی، بنا کرده است، مردم هر روز، نه‌تنها باید با

بحران‌های عدیده‌ای از جمله: معیشت، نداشتن سرپناه، هزینه‌های سرسام‌آور درمان و غیره که مسبب اصلی آنها رژیم اسلامیست دست‌وپنجه نرم کنند، بلکه سرکوبی همه‌جانبه و کشنده را نیز باید متحمل شوند.

جامعه‌ای که اگر در بستر انسانیت و بدون هرگونه تبعیضی بنا شود، هیچ زنی حاضر نخواهد شد جنین خود را سقط کند. اما در ایران با حاکمیت رژیم فاسد و جنایت‌کار اسلامی، درحالی‌که رژیم هر روزه مردم را به دلایل مختلف می‌کشد، چرا باید در این فلاکت و شکنجه، مجبور شد بچه‌ای به دنیا آورد که حتی نمی‌توان برای شش ماه بعد آن آینده‌ای متصور شد.

ازطرفی‌ازمنظر رژیم‌اسلامی‌زن‌بودن‌به‌خودی‌خود جرم است چه برسد به زنی که نافرمانی می‌کند و

نقش ماشین تولید بودن را به‌خوبی انجام نمی‌دهد! سقط‌جنین آن زن توسط رژیم جرم‌انگاری می‌شود، حال‌آنکه انتخاب آن زن برای بدنش و جنینی که در بدن او قرار است رشد پیدا کند، مثل باقی موارد در قوانین ضدزن اسلامی، اصلاً اهمیتی ندارد.

جرم و مجرم در این فقره کاملاً مشخص و واضح است، تجسسی نیاز نیست. مجرم اصلی رژیم اسلامیست که با قراردادن مردم در شرایط بسیار سخت معیشتی و البته نبود آزادی بیان و انتخاب، مجبور به کشتن جنینشان می‌کند و جرم حقیقی هم قوانین ضدزن، ضدکودک و اساساً ضدانسانی اسلامی و درکل بودن این رژیم است.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

الکسی ناوالنی، محمد قبادلو و ماله‌کشان جنایت

یاشار سهندی

الکسی ناوالنی که تنها جرمش "مخالفت سرسختانه با پوتین" بوده، به شیوه جمهوری اسلامی در زندانی در روسیه کشته شد. ظاهراً در ساعت هواخوری یکهو حالش بد شده و بعد هم فوت کرده! اینکه در زندان بوده، اینکه مسئولین زندان و بالاتر از آن به‌عنوان یک زندانی سیاسی، دولت حاکم و در مورد روسیه شخص دیکتاتور یعنی پوتین مسئول حفظ جان زندانی هستند، همه کاملاً به شیوه‌ای که برای ما سخت آشنا و دردآور است از سوی دیکتاتوری حاکم بر روسیه نادیده گرفته می‌شود؛ و نه‌تنها این بلکه عملاً شرایط را به‌گونه‌ای رقم

می‌زنند تا زندانی به‌سوی مرگ هدایت شود و اگر نشد خود دست به اقدام می‌زنند.

در جمهوری اسلامی یک امر دیگر هم برای ما سخت آشنا و دردآور است و آن پرداختن به مرگ‌های این‌چنینی از سوی کسانی است که اصلاح‌طلب خوانده می‌شوند. حالا که دستشان از بساط غارت و چپاول کوتاه است از "باب نصیحت" یک چیزهایی می‌گویند که اگر نگویند بسیار شایسته‌تر است، حداقل این است که خود را شریک جرم جنایت معرفی نمی‌کنند.

احمد زیدآبادی در قتل بی‌رحمانه محمد قبادلو از "چرخه خشونت" می‌گوید. این یعنی زنده‌یاد قبادلو یک طرف این چرخه بوده و با تأکید زیدآبادی بر اینکه در مورد او رحم و بخشش در کار نبوده

و تنها انتقام‌جویی مطرح بوده عملاً تأییدی است بر جنایت جمهوری اسلامی و یا ایشان سفر خانم النشیف را در جهت یاری رساندن "به شفافیت فضا" در مقابل مخالفت‌ها با سفر ایشان به ایران قلمداد کرده بود. این یعنی اینکه مخالفان سفر از یک چیزهایی هراس دارند که جمهوری اسلامی ندارد! زیدآبادی پذیرفتن مرگ ناوالنی به علل طبیعی را مثل باور به حرف‌های پوتین در حمله‌نکردن به اوکراین دانسته است و نهایتاً فرمودند: "گویی سقوط و ظهور متداوم رهبران و رژیم‌های خودکامه در روسیه، تقدیر این کشور بزرگ و نابغه‌خیز شده است. خداوند آن را نجات دهد."

این تقدیر خداوندی نیست که بر روسیه و ایران حاکم است. دیکتاتوری خشن حاکم بر ایران و روسیه نتیجه نیاز جامعه طبقاتی معاصر است.

جولان رژیم‌های "خودکامه" عکس‌العمل طبقه حاکمه در مقابل جنبش‌های اعتراضی در بطن جامعه است و اصلاح‌طلبانی از نوع زیدآبادی هم ضرورت وجودی‌شان به حیات این رژیم‌ها بسته است. ایشان بهتر است به خود آیند و به "ماله‌کشی" دیکتاتوری حاکم پایان دهند. تجربه تاریخی ثابت کرده است که به وقتش از خداوند کاری ساخته نیست.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

در ایران همه مجرم‌اند!

اصغر کریمی

اکثریت‌قریب‌به‌اتفاق مردم ایران از نظر حکومت مجرم‌اند. وکیل بودن جرم است. دفاع از زندانی جرم است. دفاع از وکیلی که به زندان می‌افتد هم جرم است. بهایی بودن، بی‌حجابی و نفس زن بودن و تماشای مسابقه ورزشی توسط آنها جرم است. همجنس‌گرا بودن، بی‌مذهبی، رقص و موسیقی، اعتصاب، اعتراض، اعتصاب به‌خاطر بالاکشیدن دستمزد کارگر، فعالیت در مدیای اجتماعی و تماشای ماهواره‌های "غیرخودی"، اعتراض به دزدی و فساد مقامات یا دروغ‌های مقامات و یا حتی انتقاد به جنایت‌کار اعظم جرم است. یعنی همه چیز جرم است. به‌عبارت‌دیگر حکومت نفس زندگی را برای مردم جرم اعلام کرده است. یعنی

حکومت به‌تمام‌معنی بی‌ریشه و با جامعه بیگانه است.

نکته جالب این است که این جرم‌ها هر لحظه و به‌وفور اتفاق می‌افتد. روزی نیست هزاران نفر دست به اعتصاب و تجمع نزنند و هزاران پست در مدیای اجتماعی علیه حکومت و مقاماتش منتشر نشود. بی‌حجابی هم که ابعاد میلیونی دارد، کمتر کسی است ماهواره ممنوعه نگاه نکند و از زندانی تا وکیل و متهم هر روز سیستم قضایی را به چالش می‌کشند.

این دو تصویر یعنی حکومتی درمانده و مردمی متعرض، حکومتی منزوی و مستأصل و مردمی که مخالفتشان را با همه چیز این نظام به اشکال مختلف نشان می‌دهند. علی‌رغم دستگیری‌ها و اخراج‌ها و

محرومیت دادن‌ها، حکومت از هر هزار جرم حتی قادر به عکس‌العمل در مقابل یک مورد آنها هم نیست. چون در این صورت روزانه باید هزاران نفر را زندانی کند و نمی‌تواند.

وقتی اکثریت جامعه مجرم‌اند یعنی حکومت در مقابل مردم فلج است و قانون بی‌اعتبار است. یعنی به‌نوعی حکومت دوگانه برقرار است و قوانین و تهدیدات جامعه را مرعوب نمی‌کند، نیروهای سرکوب بیش از دیگران تناقضات و استیصال حکومت را می‌بینند و بیش از نیمی از حکومت مشغول انتقاد و افشای بخش دیگر حکومت است. بی‌جهت نیست که ریزش نیرو در حکومتی‌ها و نیروی سرکوب بالاست و اعتماد حکومت به آنها و آنها به حکومت به پایین‌ترین سطح خود رسیده است.

این تصویر ناشی از بی‌ربطی حکومتی قرون‌وسطایی به جامعه‌ای متمدن، سیاسی، آگاه و مدرن است. حکومتی که به دلیل این مختصات قادر به متعارف کردن اقتصاد نیست و توان اداره جامعه را ازدست‌داده است. برای مقامات روشن است که جز آنچه می‌کنند کار دیگری از دستشان برنمی‌آید و جامعه کماکان در آستانه انفجار است و این فراخوان مهمی به همه فعالین و توده‌های مردم است که با خوش‌بینی و امیدواری هر چه بیشتر خود را سازمان بدهند.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال